این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

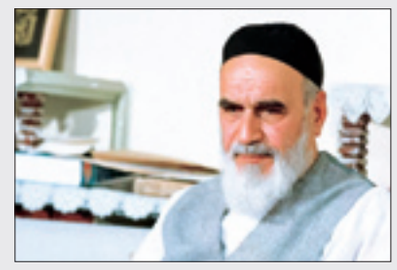

روایتی از همراهی امام(ره) با خانواده

زهرا مصطفوی، دختر حضرت امام(ره)، روایت می‌کند:
یک روز مادرم مهمان داشتند. مهمان حالا یا سرزده آمده بود یا بالاخره کارها درست و آماده نبودند. یادم است خانم با دستپاچگی می‌خواستند شیرینی و میوه‌ای جور کنند. آقا گفتند «نه، شما بروید، شما بروید پیش مهمان‌ها» و پشت سر آن هم به طرف سماور رفتند. آن موقع سماور ذغالی بود و خیلی هم سخت می‌گرفت. آقا این قدر سماور را تکان دادند تا بگیرد و چایی جور کردند و تشریفات چیدند و نگذاشتند خانم، مهمان‌ها را تنها بگذارند و بیایند اتاق دیگر کار کنند.
منبع: کانال «امام خمینی(ره)» در ایتا به استناد جلد ۱ کتاب برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، صفحه ۶۳

افق‌گشایی رهبر انقلاب در مواجهه با مسائل نظام

سعید آجرلو در توئیتی نوشت: در مقابل دو راه پذیرفتن ضعف به مثابه شکست و چشم‌پوشی یا انکار ضعف، سخنان رهبری مصداق افق‌گشایی است؛ پذیرفتن مشکل و ضعف می‌تواند ابتدای مسیر حل مشکل باشد نه ابزاری برای تخریب و ناامیدی. این افق گشایی باید توسط مدیران اجرایی فرآیند حل مسئله را تسریع کند.

زندگی جای دیگری نیست!

ناهید عبدی در کانال تلگرامی خود نوشت: «زندگی جای دیگری است.» این جمله، فلسفه ذهنی بسیاری از ماست. همین نگاه ما را از دیدن داشته‌هایمان محروم می‌کند و به همین دلیل است که وقتی بی‌قرار به دنبال خواسته‌هایمان می‌دویم و در نهایت تصاحب‌شان می‌کنیم، باز هم ناراضی و ناشادیم. کسی که از عهده مدیریت کردن زندگی‌اش در شرایط ناکامل امروز برنیاید، با بهتر شدن اوضاع هم همچنان ناراضی خواهد ماند.

شبکه ده‌ها ساله مخفی ضد انقلاب عیان شد

حسن عابدینی در توئیتی نوشت: اغتشاشات ۶۳روزه مثل رعد و برق بهاری همه شبکه ده‌ها ساله مخفی ضد انقلاب را مانند قارچ نمایان کرد تاچیدن آن راحت‌تر شود. زنده‌گیری عوامل شبکه داعش و موساد عامل عملیات تروریستی شیراز و اصفهان در آن زمره‌اند. شبکه جنایتکاران ساواکی، منافقین و... هم با خود معرفی یکدیگر را لو دادند.

۸۷۰ شرط ناهنجار صدور مجوز کسب‌وکار حذف شد

سیدمحمد هادی سبحانیان، معاون سیاستگذاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، در توئیتی نوشت: پس از پنج‌ماه کار شبانه‌روزی بالغ بر ۱۱۵۰ شرط ناهنجار صدور مجوزهای کسب‌وکار شناسایی و حدود ۸۷۰ فقره از آنها حذف شد. این شروط شامل تأیید صلاحیت، مصاحبه، مطالبه طرح توجیهی، آزمون، سابقه کار، سن، تحصیلات، تأهل، تابعیت، سوءپیشینه، هزینه مالی و عدم اعتیاد است. این مسیر باقوت ادامه می‌یابد ان‌شاءالله.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تعبیر رهبر انقلاب از ۲۲ بهمن به عنوان شنبه تاریخی

شنبه‌ای که برای دوستان رحمت بود و برای دشمنان سیلی

رهبر انقلاب در بیانات خود طی دیدار با مردم آذربایجان‌شرقی در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۶ با تشکر از حضور گسترده مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال جاری فرمودند: «شنبه ۲۲ بهمن تاریخی بود؛ به ملت ایران اظهار تعظیم می‌کنم.» این جمله با استقبال در شبکه‌های اجتماعی همراه بود و موجب ترند شدن هشتگ شنبه تاریخی شد. کاربران در توئیت‌های خود از حضور مردم در این روز گفتند و از اثرات آن نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ محمد صالح سلطانی:
بعد از چندماه جنگ تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی حتی برخی از دوستان و همراهانِ انقلاب هم انتظار این جمعیتِ شگفت‌انگیز را نداشتند. شنبه تاریخی یک نصرتِ الهی بود برای کشوری که در آزمونی دشوار و پرعبرت، سربلند شد.

■ سیدمحمود رضوی:
شنبه تاریخی ۲۲ بهمن، دختر شش‌ساله‌ام راه می‌رفت و به شعار بقیه کاری نداشت و بی‌وقفه با صدای بلند شعار می‌داد: «این همه لشکر آمده به عشق رهبر آمده» و چه خوب که این عشق به رهبر مورد رضایت ولی بوده، باور داریم رضایت ایشان موجب رضایت خداست و برکتی که وعده دادند، به زودی محقق می‌شود.

■ عبدالمجید خرقانی:
یک، شنبه تاریخی و حضور میلیونی مردم لازم بود تا به دنیا ثابت کنه، داد و فریاد رسانه‌ای ۱۰۰ روزه آشوبگرها، انقلاب نبود، خس و خاشاک بود:)

■ کاربری با نام «مامان مهدیه»:
خوشحالیم که رهبر عزیزمون از حضور مردم در شنبه ۲۲ بهمن راضی بودن و به عنوان شنبه تاریخی یاد کردند.

■ محمد شیروانی:
حضرت آقا ۲۲ بهمن امسال رو شنبه تاریخی خواندند. شنبه‌ای که برای دوستان رحمت بود و برای دشمنان سیلی سخت!

■ علیرضا رحمانی:
اگه در جشن چهل‌وچهارسالگی انقلاب اسلامی شرکت نمی‌کردیم و تعبیر امروز آقا رو می‌شنیدیم، حتماً داغش به دلمون می‌موند؛ ولی خب خدا رو شکر ما هم با یه دهه‌نودی و یه هزاروچهارصدی دو پرچمه، رفته بودیم راهپیمایی #شنبه_تاریخی

■ سیدمهرداد سیدمهدی:
رهبر انقلاب و شنبه تاریخی ۲۲ بهمن امسال: استمرار استقامت ورزیدن، حضور همراه با تحلیل، پرشور و شاد، شعارهای معنادار، صدای بلند ملت و غلبه آن بر دیگر صداها، حمایت کامل از جمهوری اسلامی.

■ راضیه حسینی:
همه این چندماه بدترین دشمنان مردم و خائن‌ترین‌ها به ایران، سعی کردن منفعت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها و خیانت‌هاشون رو با پروپاگاندا و زر و زور و تزویر به اسم مردم ایران جا بزنن؛ ولی دنیا صدای ملت رو ۲۲ بهمن، رسا و قوی شنید و ازین به بعد همه محاسبات رو همین تعیین می‌کنه. #شنبه_تاریخی

■ مینا رشیدی:
انقلاب باید تو قلب مردم جا داشته باشه نه گوشی مردم. #شنبه_تاریخی

■ کاربری با نام «عبدالرضا»:
پیام واضح ملت ایران در شنبه تاریخی یک جمله بود، ما حتی تو سخت‌ترین شرایط اقتصادی هم تا نفس می‌کشیم پای انقلاب و جمهوری اسلامی می‌ایستیم...

■ سیدعلی موسوی:
هرچقدرم بگید فتوشاپه بازم میلیون‌ها نفر شاهد بودن که اون شنبه، #شنبه_تاریخی بود.

■ وحید تقوی:
این ۴۴ سال با صدای ملت همیشه در برابر استکبار جهانی ایستادیم. امسال هم این ملت با فریاد و حضورشون خالق یک یوم‌الله دیگر شدند. #شنبه_تاریخی

■ کاربری با نام «سارا»:
چهار ماه تلاش اپوزیسیون و خارج نشین‌ها برای براندازی نتیجه نداد که هیچ، باعث حضور بی‌نظیر مردم در ۲۲بهمن شد. حضوری کم نظیر که حضرت آقا از آن به عنوان #شنبه_تاریخی یاد کردن.

■ علی یگانه:
چی بهتر از اینکه نایب امام زمان از ما راضی باشه و بگه: شکرالله سعیکم ملت ایران... #شنبه_تاریخی

■ محسن پورپیر:
جز مردم با عزت ایران کجای تاریخ دیدید که تحریم، تهدید، تطمیع، تحریف، تخریب، علیه یک کشوری بکار گرفته بشه و مردمش با تمام گلایه‌ها و مشکلات باز هم پای اهداف اون کشور بمونن و حمایتش کنن! #شنبه_تاریخی

توضیحی ساده برای مدل ChatGPT

صفحه توئیتری «The DarkWatcher» در رشته توئیتی در خصوص چگونگی عملکرد ربات ChatGPT نوشت: چون صحبت در مورد #ChatGPT زیاد شده و ماسک هم منو از توئیتر انداخته بیرون و وقت آزاد دارم، خواستم برای دوستایی که کارشون NLP یا Machine Learning نیست ولی کنجکاون که چطوری کار می‌کنه یه رشته توئیت (بدون پرداختن به جزئیات فنی) بنویسم.
چطوری این سیستم بلده که هم کد پایتون بنویسه، هم جُک براتون بگه، و هم حرف فلسفی بزنه؟ متأسفانه بعضی از جزئیات این سیستم واضح نیست چون OpenAI برخلاف اسمش اونقدا هم open نیست. ولی به طور کلی ساخت یه همچین مدلی بنا به گفته خودشون سه مرحله کلی داشته.
مرحله ۱) یکی از پایه‌ای‌ترین مسائلی که ما در NLP روش کار می‌کنیم اینه: «بیاین یه مدلی بسازیم که با دیدن یک متن بتونه لغت بعدی رو حدس بزنه». مثلاً مدلی که با دیدن «کوکب خانوم زن پاکیزه و» حدس بزنه که لغاتی مثل «باسلیقه» و «جوان» در ادامه محتمل هستن ولی «بنفش» نیست. اولین مرحله ساخت ChatGPT دقیقاً همینه - ساختن مدلی که لغت بعدی یک رشته از لغات رو حدس بزنه. این مدل با دیدن حجم زیادی از متون موجود در وِب ساخته می‌شه (به عنوان مثال ویکی‌پدیا و متن میلیون‌ها کتاب و غیره). این مدل چیزیه که شاید به اسم GPT3 یا ورژن‌های قبلیش به گوشتون خورده باشه.
این مدل (با اینکه هدف ساده‌ای داره) اکثر توانایی‌های عجیب و غریب ChatGPT رو در خودش داره. مثلاً اگه شما به این مدل بگین متن ورودی اینه که «آنچه در ادامه خواهید دید غزلی در مورد گرانی گوجه است...» مدل (فقط با پیش‌بینی لغت بعدی و بعدییش و...) شروع به نوشتن شعری در مورد گوجه خواهد کرد! اما من برای اینکه بتونم شعری در مورد گوجه از مدل بکشم بیرون،

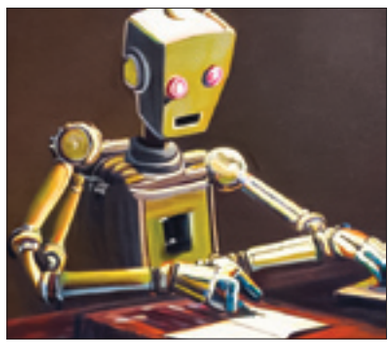

مجبور شدم یه متن الکی وارد کنم که مدل رو مجبور کنه که شعر بگه. به متنی که من به عنوان ورودی دادم می‌گن prompt و خیلی‌ها شروع کردن به مطالعه اینکه چطوری prompt خوبی مثل «متنی که در...» بنویسیم که نتیجه مطلوب رو بگیریم.
مرحله دو و سه ساخت ChatGPT سعی دارن که این مشکل رو حل کنن. به جای اینکه من بخوام به زور یه prompt خوب پیدا کنم، طراحان مدل گفتن بیاین طوری تغییرش بدیم که شما اکثر خواسته‌هاتون رو بتونین با چت کردن به سیستم وارد کنید. در این صورت کافیه که بگین «یک غزل در مورد گرانی گوجه بگو» و خلاص.
مرحله ۲) این مرحله کمتر جذابه. تنها کاری که انجام شده اینه که مدل قبلی رو بگیریم و فرآیند یادگیری لغت بعدی (که روی متون وِب انجام شده بود) رو روی متن‌های چَت انجام بدیم. متن‌هایی که نفر اول توش گفته «آقا یه جُک راجع به تونس بگو» و دومی می‌گه «یه بار یکی رفت تونس یکی رفت نتونس!»
با دیدن این چت‌ها، مدل یاد می‌گیره که ورودی‌ها رو به صورت گفت‌وگو ببینه و خروجی‌هاش رو به صورت پاسخ به گفت‌وگو تولید کنه. اکثر زحمتی که کمپانی OpenAI در این مرحله کشیده اینه که به یه سری آدم پول بده که متن به حالت چَت بنویسن. هم از طرف کاربر و هم از طرف سرویسی که قراره پاسخ بده.
مرحله ۳) حالا که شما یک مدل دارید که باهاتون چت می‌کنه. اگر بهش بگید که «یک غزل در مورد گرونی گوجه بگو» می‌تونه چندین جواب مختلف بهتون بده، مثلاً چندین غزل مختلف یا حتی جواب بده «آقا، من شاعر خوبی نیستم! بیخیال من شو!». همه این جواب‌ها کاملاً منطقی هستن. توی همه جواب‌ها مدل به درستی لغت‌های بعدی رو یکی بعد از دیگری پیش‌بینی کرده، ولی ما غزل‌ها رو به جواب آخر ترجیح می‌دیم. مرحله سه سعی می‌کنه که مدل رو به سمت خروجی دلخواه ما (یعنی غزلی در مورد گوجه) هُل بده.
برای انجام این کار، بچه‌ها توی OpenAI، خروجی‌های مختلفی از مدل گرفتن و به یه سری آدم گفتن این جواب‌ها رو بر اساس کیفیت (از خوب به بد) مرتب کنن. قاعدتاً اونها غزل‌های درست حسابی رو بالاتر از پاسخ «آقا، بی‌خیال من شو» قرار دادن.
من اینجا دیگه به شدت جزئیات رو حذف می‌کنم ولی بر اساس لیست مرتب شده پاسخ‌ها (با استفاده از Reinforcement Learning) میشه مدل رو بهتر کرد و سوق داد به سمت جواب‌هایی که ما بیشتر می‌پسندیم. ولی فراموش نکنیم که در نهایت ChatGPT مدلیست که فقط لغت بعدی رو حدس می‌زنه.
حقیقتاً شگفت‌انگیزترین چیز اینه که همچین صورت مسئله ساده‌ای (لغت بعدی رو حدس زدن) توانایی این رو پیدا می‌کنه که جُک و غزل بگه و کد پایتون بزنه. الان انرژیم تموم شد ولی ان‌شاءالله بعداً می‌نویسم چرا همین سادگی صورت مسئله باعث می‌شه بشه ChatGPT رو بازی داد و خروجی نامناسب ازش گرفت.
در نهایت بگم که ChatGPT برای زبان فارسی (به خاطر کم بودن متن‌هایی که در زبان فارسی پردازش کرده) عملکردش چندان جالب نیست.

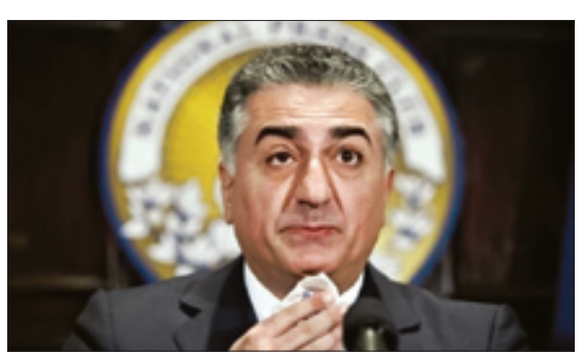

با برجسته‌سازی رسانه‌ای هم راه به جایی نخواهید برد

سیدعلی موسوی در توئیتی نوشت: ایران اینترنشنال با برجسته‌سازی رضا پهلوی می‌خواهد به او اعتبار ببخشد و رضا پهلوی با انقلاب خواندن اعتراضات می‌خواهد مصادره به مطلوب کند. کسی که حتی در میان اپوزیسیون خارج‌نشین محبوبیتی حداقلی دارد با خبرسازی و برجسته‌سازی رسانه‌ای راه به جایی نخواهد برد.

از کجا می‌دانی کی وقت بعثت توست؟

حسن آقاجانی در توئیتی نوشت: درسی که همیشه از مبعث تو ذهنم می‌آید اینه که آدم باید همیشه دنبال کاری که درسته بره؛ مهم نیست الان تأثیرگذار باشی یا نه؛ مهم نیست حتماً تا n سالگی به فلان موقعیت رسیده باشی؛ پیامبر(ص) در چهل سالگی مبعوث شد، تو از کجا می‌دونی کی وقت بعثت توست؟

مگر من برای حقوق آمده‌ام؟!

حمید کثیری در کانال تلگرامی خود نوشت: مدت‌ها بود داشتم فکر می‌کردم این چند خط را بگذارم یا نه! شاید در این روزها که خیلی از ارزش‌های‌مان در حال تغییر کردنند، خواندن این چند خط روح و روان‌مان را آب و جارو کند! بخوانید:
«آن وقتی که جوان حزب‌اللهی ما به جهاد یا به سپاه یا به فلان وزارتخانه می‌رفت و به او می‌گفتند که چه‌قدر حقوق می‌خواهی، می‌گفت این حرف‌ها چیست، مگر من برای حقوق آمده‌ام؟ اصرار می‌کردند که بالاخره زندگی خودت و زن و بچه‌ات باید بگردد؛ یک چیزی بگیر. به نظر شما اینها افسانه است؟
به نظرم اگر شما بروید در دنیا این را نقل کنید، چنانچه کسی وضع چند سال قبل ما را ندیده باشد، خواهد گفت که افسانه است؛ ولی این واقعیت است. این رویداد، در همین ایران و در همین تهران و در همین وزارتخانه‌های ما اتفاق افتاد؛ یکی، دو مورد هم نبود.
نماینده مجلس وقتی اول بار به او حقوق دادند، خجالت کشید حقوق را بگیرد! بعضی از دوستان ما در دوره اول نمایندگی مجلس، شرم‌شان آمد و ننگ‌شان کرد که حقوق بگیرند! گفتند ما حقوق بگیریم!؟»
بیانات حضرت آقا در دیدار با کارگزاران نظام (۲۳ مرداد ۱۳۷۰)

استفاده هوشمندانه از بروشور

کانال تلگرامی «مارکتینگ آز» نوشت: جیم بلیت در کتاب خود به نام «۱۰۰ایده بزرگ بازاریابی» می‌نویسد: شرکت‌ها معمولاً بروشورهای پرهزینه‌ای را تولید می‌کنند، ولی می‌دانند که مشتریان بالقوه‌شان به احتمال زیاد محتوای بروشور را بررسی نمی‌کنند؛ برای مثال نمایشگاه‌ها، مکان‌هایی هستند که تعداد زیادی بازدیدکننده فقط برای جمع کردن بروشور از هر غرفه‌ای که سر راه‌شان هست، به آنجا می‌آیند، بدون اینکه واقعاً بخواهند آن همه بروشور را بخوانند. واضح است، وقتی بروشور را نمی‌خوانند، حتماً محصولی هم از شما نمی‌خرند. پس کل هزینه‌ای که برای چاپ بروشور کرده‌ایم، هدر می‌رود. به همین دلیل، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توانیم از بروشورمان بهتر و هوشمندانه‌تر استفاده کنیم؟
برای پاسخ به این سؤال مهم بیایید تجربه شرکت ترماستِر دابل گلیزینگ، سومین تولیدکنندهٔ پنجره در انگلستان را بررسی کنیم. وقتی شرکت در نمایشگاهی حاضر می‌شود به فروشندگانش یاد می‌دهد که به بازدیدکنندگان بگویند، به دلیل استقبال از شرکت، تمام بروشورها توزیع شده‌اند و می‌توانند بروشور را به آدرس بازدیدکننده پست کنند. واضح است، مشتریانی که واقعاً به محصولات شرکت علاقه داشته باشند، آدرس یا ایمیل‌شان را می‌دهند. این روش، به فروشندگان شرکت کمک می‌کند تا وقت‌شان را برای بازدیدکنندگان بی‌هدف هدر ندهند.
در مرحله بعدی، یکی از فروشندگان شرکت شخصاً به آدرس بازدیدکننده‌ای که آدرسش را در نمایشگاه داده است، می‌رود تا بروشور را به او بدهد. این روش، باعث می‌شود فروشنده رابطه نزدیکی را با مشتری بالقوه برقرار کند و با گرفتن شماره تلفن یا تعیین وقت، جلسه‌ای را برای معرفی بهتر محصولات شرکت به بازدیدکننده تعیین کند.
نتیجه این رویکرد این است که بروشورهای شرکت به درستی توزیع و تعداد خیلی کمی از آنها دور ریخته می‌شوند. آمارهای شرکت نشان می‌دهد تقریباً از هر ۱۰ بازدیدکننده‌ای که بروشور دریافت می‌کند، یک نفر از شرکت خرید می‌کند. این آمار در سایر شرکت‌ها بسیار بسیار کمتر است و به طور متوسط از هر ۱۰۰ نفری که بروشور می‌گیرند، یک نفر هم خرید نمی‌کند.

در معنای عاقبت‌به‌خیری!

امین حیدرلو نوشت: لحظاتی نمایان می‌شوند همچون مواجهه با رخ‌دادی، أخذ تصمیمی، شنیدن یک پرسشی، ملاقات با صحنه‌ای یا آشنایی با شخصیتی که تمام حیات آدمی را وارونه می‌کنند. لحظه‌هایی که سنگینی آنها حیات را دو شقّه می‌کند و این شکاف تا مدت‌ها خود را در تمام زندگی انسان نمایان می‌سازد. اساساً رسالت لحظه، ویران کردن گذشته و انحلال آینده در «اکنون» است. چگونه باید با لحظه مواجه شد؟
باید به استقبال لحظه‌های محض زندگی رفت؛ از سنگینی هیچ لحظه‌ای در زندگی نباید هراس داشت. باید در پی لحظه‌های محض بود و اجازه داد «اصالت و ثقالت لحظه»، وضعیت و افق را معین کند. وضعیت و افق هر دو از اکنون برمی‌خیزند و ما نیازمند فهم بنیادهای اکنون با مراجعه به سنگین‌ترین لحظات زندگی هستیم.
ضعیف‌ترین انسان‌ها کسانی‌اند که در قبال تلنگر اصیل لحظه و پرسش‌های حاصل از آن کم می‌آورند. مرزهای اصیل خویشتن را گم می‌کنند. خود را می‌بازند و به سرخوشی می‌پردازند. سرخوشی برخواسته از درد نیست و چیزی را نمی‌سازد که اساساً لحظه محض را هم ویران می‌کند. سرخوشی زندگی را هم به مزاح و ابتذال می‌کشاند. سرخوشی باب هرگونه شنیدن را می‌بندد. سرخوشی کور می‌کند. انسداد زمانی ایجاد می‌کند. سرخوشی زندگی را می‌سوزاند. سرخوشی حقیقت را پنهان می‌کند. و آیا انسانی که در یک وضعیت استثنایی سرخوش است، انسان است؟
آدمی باید باور کند که وضعیت استثنایی سرنوشت محتوم اوست. وضعیت استثنایی اگر با سرخوشی سرپوشی شده باشد، ناگوارترین اتفاقات را رقم می‌زند. ناگواری‌هایی که اتفاقاً گویا در عادی‌ترین صحنه‌ها نمایان می‌شوند. در همین عادی‌بودن باب «تصمیم» نیز مسدود می‌شود. باید وضعیت استثنایی را پذیرفت. آن را اعلان کرد. از سرخوشی عبور و پیرامون شرایط امکان وضعیت و افق تأمل کرد. و تصمیم گرفت. شاید این معنا بتواند باب دیگری از «عاقبت به‌خیری» را برای ما تداعی کند! عاقبت به خیری که آرزو و دعای ما برای بحران زندگی و نیز حیات سیاسی جامعه‌مان است.

تصویر منتخب

خورشید زندان؛ امام موسی بن جعفر (ع)
| تازه‌ترین اثر حسن روح‌الامین